پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نشریات دانشجویی جنگ تحمیلی را چگونه روایت کردند؟

پیمان دانشگاه با خون شهیدان

مرضیه قیاسی
خبرنگار

صدای مهیبی که در بامداد روز جمعه، ۲۳ خرداد در تهران پیچید، آغازگر جنگی ناخواسته و تحمیلی از سوی رژیم اشغالگر صهیونیستی به کشورمان بود. جنگی که آغاز آن با شهادت اساتید دانشگاه و دانشمندان ارزشمند هسته‌ای کشور و فرماندهان نظامی همراه بود. این جنگ ۱۲روزه تعداد زیادی از هم‌وطنان بی‌گناهمان را نیز از ما گرفت. در این بین رسانه‌ها و نشریات مختلف ابعاد مختلف این جنگ را بررسی و با انتشار بیانیه‌های متعددی این تجاوز بی‌شرمانه را محکوم کردند. اهمیت این موضوع برای نشریه‌های دانشجویی دوچندان است؛ چراکه اساتید ارزشمند و تأثیرگذار این قشر در این حملات به شهادت رسیده‌اند و از آن مهم‌تر، در زمانی که دانشگاه‌ها در تعطیلی به سر می‌برند، باید وظیفه مطالبه‌گری و اثرگذاری خود را به نحوی احسن ایفا کنند. در این گزیده‌خوانی به سراغ نشریات منتشر شده با محور جنگ رفتیم که در ادامه می‌توانید گزیده‌هایی از آن‌ها را بخوانید.

ما اینجا ریشه در خاکیم

نشریه «آوای ملل» وابسته به دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، پانزدهمین شماره خود را با عنوان ویژه‌نامه عملیات وعده صادق ۳ و با طرحی از سرداران شهید سپاه پاسداران و لحظات اصابت موشک‌های ایرانی به تل‌آویو در ۱۴ صفحه منتشر کرده است. از مهم‌ترین عناوین این شماره از نشریه به سردبیری علی حسین ایرانپور می‌توان به «شریک جرم کودک‌کشی»، «گرز رستم بر صهیون» و «اهرم‌های راهبردی برای تغییر معادله» اشاره کرد. امین‌رضا شیخ بردسیری، مدیر مسئول نشریه و دانشجوی پزشکی ورودی ۱۴۰۱، در یادداشتی با عنوان «ریشه در خاک» نوشته است: «وقتی جنگل آتش می‌گیرد، درختان فرار نمی‌کنند؛ حیوانات فرار می‌کنند. ما اینجا ریشه در خاکیم.»

این سخن نادرشاه افشار، نمادی از استواری ملتی است که در برابر طوفان‌های تاریخ، همچون سروی استوار ریشه در خاک وطن دارد. امروز نیز در آتش جنگ نابرابری که رژیم صهیونیستی برافروخته، ایران اسلامی با همان روحیه ایرانی، وحدت و مقاومت را برگزیده است.

وطن تنها خطی بر نقشه نیست؛ زادگاهی است که ایمان و هویت ما در آن ریشه دوانده. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با اشک بر دیوارهای مکه فرمود: «به خدا، اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند، هرگز نمی‌رفتم.» این عشق، همان است که امام علی (علیه السلام) آن را پایه آبادی بلاد می‌داند: «عُمِرَت البلدان بحب الأوطان» اما وطن‌پرستی در اسلام، نه یک شعار احساسی بلکه مسئولیتی الهی است. وقتی پای دفاع از حریم وطن در میان باشد، مرزهای جغرافیا به فرمان خدا و ارزش‌های دینی گره می‌خورد؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «و ما لنا الا نقاتل فی سبیلِ اللهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دیارنا» «چرا در راه خدا نجنگیم، حال که از دیارمان رانده شده‌ایم؟»

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران، نه یک اقدام نظامی صرف، بلکه نقشه‌ای برای ایجاد تفرقه و ترس بود. اما تاریخ ثابت کرده ملتی که حب‌الوطن را بخشی از ایمان می‌داند، در برابر دشمن یکپارچه می‌ایستد؛ همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کردند: «اتحاد حول محور ولایت، تنها راه مقابله با توطئه‌های دشمن است.» این وحدت، همان ریشه‌ای است که نادرشاه از آن سخن گفت؛ ریشه‌ای که حتی در سخت‌ترین جنگ‌ها، ملت را چون درختان جنگل، پابرجا نگه می‌دارد.

سخن امام خمینی (رحمه‌الله علیه) که من همیشه در فکر ایران بودم، امروز در عمل فرماندهان و جوانان این مرز و بوم تجلی یافته است. همان‌ها که مانند شهیدان اخیر، با خون خود نوشتند: «تا نابودی کامل رژیم صهیونیستی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.» این مقاومت نه یک انتخاب، که تکلیفی الهی است؛ چراکه «شر الأوطان ما لم یأمن فیه القطان» «بدترین وطن‌ها، جایی است که امنیت نداشته باشد.» امروز، ایران با ترکیبی از عشق به وطن، اتحاد ملی و مقاومت جانانه، در برابر آتش‌فتنه صهیونیست‌ها ایستاده؛ همان‌گونه که در گذشته بارها نیاکان ما در مقابل دشمنان ایستاده‌اند، امروز نیز ملت ایران با اقتدار پاسخ تجاوز را می‌دهد؛ زیرا می‌داند که «خیرالبلاد ما حملک» «بهترین سرزمین‌ها، جایی است که تو را در آغوش کشد. و این آغوش، تنها با ایستادگی و وحدت گرم می‌ماند.»

راه اساتید شهید خود را پیش خواهیم گرفت

ماهنامه سیاسی‌دانشجویی «هفت تیر» بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی به سردبیری امیرپارسا مهران‌زاد با انتشار ویژه‌نامه خون بهشتی، ضمن محکوم کردن حمله تنفرآمیز رژیم صهیونیستی، به طور ویژه به برنامه هسته‌ای ایران و شهدای هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی پرداخت. این ویژه‌نامه در ۲۲ صفحه و در قالب ۵ بخش سرمقاله، موقف نامه، حکایت‌القدما، روایت‌العلما و خاطره‌نامه نوشته شده است و در صفحه اول آن نیز عکس‌هایی از شهدای هسته‌ای و مراسم تشییع آن‌ها و تصویری از شهید بهشتی در کنار هم قرار داده شده‌اند. از مهم‌ترین بخش‌های ویژه‌نامه می‌توان به «تاریخچه مختصر صنعت هسته‌ای در ایران»، «ایران در ساعت صفر»، «تنها راه، قدرت است؛ بازگشت به عقب ممنوع!» و «بیانیه دانشجویان دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی» اشاره کرد.

علیرضا گرجی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، در نوشته‌ای تحت عنوان «سگ نگهبان هسته‌ای!»، فعالیت‌ها و اقدامات آژانس بین‌المللی هسته‌ای را بررسی می‌کند که در بخش آخر آن می‌خوانیم: «گزارش‌های مغرضانه و با سوءنیت آژانس برای عراق و کره شمالی، خط سیر واحدی را برای بهانه‌سازی حمله‌شان علیه تهران به تصویر می‌کشد. آژانس عملاً تمامی اطلاعات دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای ایران را با واسطه در اختیار رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار می‌داد؛ ولی جنبه مثبت ماجرا اینجاست که حداقل دیگر قدم‌های نحس و نجس رافائل گروسی و بازرسان آژانس را در تهران احساس نخواهیم کرد. باید به صراحت اذعان نمود که سه پروژه ایران، عراق، کره شمالی جزء سوابق موفق مهم و بزرگ آژانس در آسیا و منطقه بوده است که جاسوسی‌ترین و کثیف‌ترین نقشه غرب برای مهار خطرات هسته‌ای علیه خودش ترسیم کرده است. باید صریح بود که حقوق بین‌الملل و نطق‌های آتشین در سازمان ملل، فقط برای زمانی است که محور عبری-غربی بتواند از طرق قانونی، کشورهای دیگر را به محاکمه و مؤاخذه بکشاند، اما اگر این مرحله به شکست بینجامد، دیگر هیچ خط قرمز و محدودیتی را برای نیل به اهدافشان قائل نیستند.»

در این نشریه مطلبی با عنوان «وقتی شهید طهرانچی گفت: کم آوردی؟!» به نقل از محمدعلی اکبری، معاون علوم پایه و کشاورزی دانشگاه آزاد و عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه شهید بهشتی، این‌طور آورده شده است: «من چندین سال معاون شهید طهرانچی بودم. اخلاقم هم کمی خاص است؛ حرفی را که دارم پیش خودم نگه نمی‌دارم و خیلی رک و صریح صحبت می‌کنم، حتی اگر ملاحظه طرف مقابلم را نکنم. چند بار پیش آمده بود که با دکتر طهرانچی بر سر مسائل کاری بحث کرده بودم، اما یک بار به ویژه در خاطرم مانده است. در دانشگاه آزاد جلسه‌ای داشتیم؛ دکتر طهرانچی، سایر معاونان و مسئولان هم حضور داشتند. بحثی پیش آمد و بالا گرفت. من ناراحت شدم و جلسه را در میانه‌اش ترک کردم. احساس کردم که دکتر طهرانچی از من دلخور شدند و شاید کمی حرمت‌شکنی کرده باشم. تا شب به شدت درگیر فکر و عصبانیت بودم. برای ایشان پیام دادم: «دیگه من اصلاً نمیام. نمی‌خوام دیگه معاون باشم. حوصله ندارم.»

کمی بعد پاسخ دادند: «چی شد؟! کم آوردی؟!» دکتر من را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که روی مسئله «کم آوردن» چقدر حساسم. جواب دادم: «نه، کم نیاوردم.» و ایشان خیلی کوتاه نوشتند: «خب، پس چی میگی؟!» این نوع برخورد دکتر برایم خیلی عجیب بود و حتی باعث شد کمی بخندم. صبح روز بعد دوباره به کار برگشتم. صبر شهید طهرانچی در تعامل با همکاران بسیار بالا بود؛ انگار نه انگار که من جلسه را ترک کرده بودم!

ایشان مثل برادر بزرگ‌ترم بودند. گاهی نصیحتم می‌کردند و بعدها می‌فهمیدم که حق با ایشان بوده است. من با ایشان وارد عرصه کار اجرایی شدم؛ با وجود تازه‌کار بودنم، آزادی عمل زیادی به من دادند و اعتماد بالایی داشتند. با همکاری هم بسیاری از پروژه‌ها را پیش بردیم. حتی نصیحت‌هایشان را هم آن قدر دقیق و لطیف بیان می‌کردند که ناخودآگاه می‌پذیرفتم.»

صبح پیروزی، نزدیک‌تر از آن است که دشمن می‌پندارد

نشریه «تسنیم» که به همت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهد و به سردبیری حمیدرضا رجبی منتشر می‌شود، شماره دویست و سی و نهم خود را در قالب یک ویژه‌نامه ۴ صفحه‌ای تحت عنوان «وعده صادق» منتشر کرده است. صفحه اول این ویژه‌نامه با عکس‌هایی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اتفاقات این جنگ ۱۲روزه نظیر پیام تلویزیونی رهبر انقلاب، شهدای هسته‌ای و سپاه‌پاسداران، کودکان ایرانی شهیدشده توسط رژیم غاصب صهیونیستی، حمایت جامعه جهانی از دفاع مشروع ایران و پاسخ کوبنده و قدرت پدافندی ایران مزین شده است. مطالب مهم این ویژه‌نامه را می‌توان «تبیین مواضع»، «نسل زد جنگ» و «پیامدهای یک اشتباه بزرگ» عنوان کرد.

در بخشی از «نسل زدِ جنگ»، نوشته زهرا بابائی، دانشجوی کارشناسی بیوتکنولوژی ضمن مرور تجربیات نسل زدی‌ها در این روزها می‌خوانیم: «بچه‌های دهه ۶۰ را «بچه‌های جنگ» می‌نامیم. سال‌هایی که تنها ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق با حمایت ده‌ها کشور خارجی، آتش جنگ را به امید فتح سه روزه تهران شعله‌ور کرد.

ما آن روزها را ندیده‌ایم؛ اما روایت‌های گوناگونی را از آن ایام شنیده‌ایم. از هشت سال دفاع با کمترین امکانات تا سلحشوری زنان و مردان در دفاع از میهن. اما چند روزی است که ما هم همانند بچه‌های دهه شصت، صدای انفجار و آژیر خطر را می‌شنویم؛ حال می‌توانیم خودمان را هم «بچه‌های جنگ» بنامیم! البته اگر منظور جنگ نظامی باشد؛ چراکه بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰، جنگ‌های رسانه‌ای، فرهنگی و اقتصادی را هم دیده‌اند. حالا می‌توانید تجربه جنگ نظامی را هم به تجربیات کثیر نسل زد بیفزایید!

ما نسلی هستیم که معنای «تهاجم» را به خوبی درک کرده‌ایم، به عینه دیده‌ایم و با آن زندگی می‌کنیم. تجاوز رژیم صهیونیستی به محل سفارت ایران در دمشق، به شهادت رساندن سید حسن نصرالله و اسماعیل هنیه، گویی ما را برای جنگ آماده کرد و اکنون با وجود شرایطی که شاید تا کنون جمهوری اسلامی هیچ‌گاه شاهد آن نبوده است، همچنان به زندگی عادی خود ادامه می‌دهیم. چنین روحیه‌ای را می‌توان برخاسته از «ریشه داشتن در تمدنی به قدمت هزاره‌ها» دانست؛ ما این سرزمین را به عاریه بدست نیاورده‌ایم که بخواهیم اکنون همانند شهرک‌نشینان فرار را بر قرار ترجیح دهیم! شاهد این گفتار، فریاد تکبیر الله اکبر آن بانویی است که در هنگام تهاجم دشمن به جهان نشان داد حتی با حرکت یک انگشت دست می‌توان بمباران یک رژیم را به سخره گرفت و میراثی ماندگار برای بچه‌های جنگ به یادگار گذاشت.»

در بخشی از نوشته فخرالدین محمدی، دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی تحت عنوان «پیامدهای یک اشتباه بزرگ» که به بیان برخی از پیامدهای ناخواسته‌ای که اعمال تحریم‌ها برای طراحان آن داشته، می‌پردازد، آورده شده است: «تحلیل دقیق روابط استراتژیک میان واشنگتن و تل‌آویو نشان می‌دهد که آمریکا و رژیم صهیونیستی به شدت به یکدیگر وابسته‌اند و تصور جدایی کامل میان آن‌ها در چنین تصمیمات راهبردی واقع‌بینانه نیست؛ این بدان معناست که ایالات متحده نیز در تجاوزگری‌ها و اقدامات بی‌ثبات‌کننده رژیم صهیونیستی، شریک جرم است.»

با این وجود، جمهوری اسلامی ایران با درک عمیق از این توطئه‌های پیچیده، صبر استراتژیک و هوشمندی راهبردی را در پیش گرفته است. پاسخ به این جنایات، نه با واکنش‌های احساسی و شتاب‌زده، بلکه با ادامه مسیر تقویت قدرت ملی، انسجام داخلی و حمایت همه‌جانبه از محور مقاومت خواهد بود. چشم‌انداز آینده، مقاومت و پیروزی حتمی است. صبح پیروزی، نزدیک‌تر از آن است که دشمن می‌پندارد. این حقیقت نه یک آرزو، بلکه نتیجه‌ای واقع‌بینانه از پویایی‌های قدرت در جهان و منطقه است؛ جایی که مقاومت نه یک گزینه، بلکه تنها راه بقا، دستیابی به عزت و تضمین‌کننده آینده‌ای روشن است.

ایرانِ حسین تا ابد پیروز است

نشریه «رهنمون» گاهنامه سیاسی-اجتماعی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، به سردبیری فائزه عینی، شماره پنجاه‌وسوم خود را در ۴ صفحه و با طرحی عاشورایی در صفحه اول، که جمله «ایران حسین تا ابد پیروز است» در آن خودنمایی می‌کند، منتشر کرد. نوشته‌های «صلح تحمیلی؟!»، «یک غده در چندین بافت»، «دستاوردهای نظامی مقاومت در نبرد با رژیم صهیونیستی» و «خدا زنده است ای مردم...» را می‌توان مهم‌ترین مطالب این شماره به حساب آورد که به بررسی جنبه‌های مختلف جنگ ۱۲روزه می‌پردازند.

«خدا زنده است ای مردم...»؛ مهسا استوار، دانشجوی سال دوم رشته فناوری اطلاعات سلامت، در نوشته‌ای با این عنوان نوشت: «ترور مقامات نظامی و دانشمندان نه‌تنها آسان، بلکه پیچیده و چندلایه بوده است؛ و البته صرفاً نشان‌دهنده دستِ برتر تکنولوژیکی نبوده، چراکه پای شبکه خرابکاری داخلی در میان است! یک همکاری گسترده بین سازمان‌های جاسوسی دنیا (موساد، MI۶، CIA و...) و البته وطن‌فروشان داخلی! آن‌هم طی سالیان متمادی، با دخالت مستقیم اسرائیل و آمریکا. البته این عملیات‌های جاسوسی را باید در کنار انبوه عملیاتی که توسط نیروهای امنیتی خنثی می‌شوند مقایسه کرد؛ برای مثال، خنثی‌سازی ۴۷ عملیات طی یک روز!

۲. فرماندهان ما شهید شدند، اما خدای فرماندهان ما هست. در مهر سال ۱۳۶۰، در حالی که خرمشهر اشغال شده و انقلاب تازه به پیروزی رسیده بود، در یک روز رئیس ستاد مشترک، جانشین سپاه، وزیر دفاع، فرمانده نیروی هوایی و محمد جهان‌آرا -از فرماندهان برجسته سپاه خرمشهر- را از دست دادیم؛ اما نه‌تنها شکست نخوردیم، بلکه چندی بعد خرمشهر نیز آزاد شد و پیروزی پشت پیروزی رقم خورد. اکنون پس از سال‌ها و با وجود پیشرفت‌های بی‌شمار جمهوری اسلامی ایران، قطعاً از دست دادن افراد باعث تزلزل در مسیر حق نمی‌شود؛ همان‌طور که با وجود شهادت فرماندهان نظامی و دستکاری پدافندها، پاسخ به این جنایت نه‌تنها به تأخیر نیفتاد، بلکه در کمتر از ۱۸ ساعت، جانشین فرماندهان مشخص شد.

۳. به طور عقلانی و منطقی، هیچ کشوری صفر یا صد درصد پیروز یا شکست‌خورده نیست. شکست‌ها و موفقیت‌ها برای هر کشور، چه قدرتمند و چه ضعیف، وجود دارد و نتیجه اصلی را باید با یک بررسی جامع به دست آورد، نه صرفاً بر اساس یک مورد!

«وَما النَّصرُ إِلّا مِن عِندِ اللّهِ العَزیزِ الحَکیمِ»

مقاومت عاشورایی

«عروج» نشریه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هسته بین‌الملل دانشگاه مازندران، به سردبیری کوثر عیسی‌زاده، ویژه‌نامه‌ای درباره جنگ منتشر کرد. این ویژه‌نامه با تیتر «درهای جهنم به رویتان گشوده خواهد شد» به دو زبان فارسی و عبری و با تصویری از دروازه‌ای از جهنم در سه صفحه به چاپ رسیده است. از مهم‌ترین تیترهای این ویژه‌نامه می‌توان به «راهی جز مقاومت نمی‌شناسیم» و «آرمان جاویدان» اشاره کرد. در صفحه آخر نشریه نیز مهم‌ترین اخبار جنگ با تیتر «دیوار اخبار» منتشر شده‌اند. در بخشی از نوشته «راهی جز مقاومت نمی‌شناسیم» به قلم علی فیروزی‌پور، عضو گروه تحریریه، آمده است: «رژیم صهیونیستی با این تجاوز، بار دیگر نشان داد که خوی تجاوزگری و جنایتکاری‌اش محدود به خاک فلسطین مظلوم نبوده و تمام منطقه غرب آسیا را تهدید می‌کند. این حملات در حالی آغاز شد که جمهوری اسلامی ایران هفته‌ها مشغول مذاکره غیرمستقیم با آمریکا بود و هیچ‌گونه حرکت نظامی و خصمانه‌ای از سوی ایران صورت نگرفته بود. مردم دنیا باید بدانند که آمریکا و نیروی نیابتی‌اش در منطقه غرب آسیا، پیشرفت‌های صلح‌آمیز کشورهای مستقل را تحمل نمی‌کنند و گستاخانه اصول بدیهی حقوق ملل را زیر پا می‌گذارند.

ملت ایران از جنگ نمی‌ترسد و در این نبرد از نیروهای مسلح خود پشتیبانی کامل دارد. اگر رژیم صهیونیستی عزیزانی را از ما گرفته و ما را داغدار کودکان چندماهه کرده است، در عزم مردم ایران برای مقاومت خللی ایجاد نکرده و نخواهد کرد. و اگر رژیم ساختمان رسانه ملی ایران را هدف بمباران قرار داده است، دیدید که مجری زن تلویزیون ایران زیر بمباران، بی‌هراس به گزارش خود ادامه می‌دهد؛ گویی برای تاریخ سخن می‌گوید.

این ملت، اراده و امکانات پشیمان کردن هر متجاوزی را به کمک خدای یکتا دارد، و هر کس به وسوسه رژیم صهیونیستی گوش دهد و پای در جنگ با ایران بگذارد، به سمت گورهای کنده‌شده قدم برداشته است.

دوران حکومت رعب و وحشت این زورگویان جهانی به پایان رسیده است. ایران تسلیم زیاده‌خواهی‌ها نمی‌شود و مردم دنیا باید بدانند که در برابر کینه‌توزی صهیونیسم و حامیان او، هیچ راهی جز مقاومت و هماوردی، به سعادت ملت‌ها و آرامش و صلح نمی‌رسد.»